



۲۰۲۲/۰۳/۳۰

محمد عارف عباسی

تکرار غم انگیز، باز هم فاجعه بشری اوکراین!

هم وطن محترم، هر موقفی که و بنابر هر انگیزه در برابر آن چه در اوکراین می گذرد گرفته بی به آن کاری نداشته حق مداخله به خود نمی دهم، ولی بدون هیچ گونه تظاهر و خود نمایی حتی جبراً با چشم پوشی از عوامل زاینده این جنایت، من به نام یک انسان با درک و فهم حقوق اساسی و مشروع انسان ها، قبول کن که در قبال این تجاوز وحشیانه پوتین بر کشور اوکراین به بهانه تهدیدات امنیتی بی تفاوت مانده نمی توانم. و لوک کاری از من ساخته نه باشد.

نه تنها که بی تفاوت بوده نمی توانم بلکه این سانحه تحمیلی و اجباری، احساس افکار شده ای غصه های فعلی و وطن بیشتر جریحه دار ساخته و بی اختیار این فاجعه را شب و روز با پیامد های بی نهایت غم انگیز و دردناک آن تعقیب می کنم و نام یک انسان رنج می برم و عذاب می کشم. همان طوری که برای عراقی، لیبیایی، یمنی، فلسطینی، سوریایی و مسلمانان برما، چین و گریستم.

بعضی اوقات نوشته های روی کاغذ و اصول های توافق شده ای بین لمللی به نام میثاق ها و قوانین، شعار های حقوق بشر، دموکراسی، جنایات جنگی، محاکم بین المللی مؤاخذه جنایت کاران جنگی، مصونیت حریت و حاکمیت ملی ممالک عضو مؤسسه ملل متحد. چارتر ملل متحد و صلاحیت های این موسسه در قبال تخلفات علنی از معیار های موجود و اتخاذ تدابیر سیاسی و نظامی در صورت در برابر عضو متخلف و غیره و غیره، سرایی فریبنده بیش نبوده بر ضعیف قابل تطبیق است و در برابر تخلف زورمند ابر قدرت اصلاً وجود ندارد.

شورای امنیت ملل متحد وجود و حضور خود را با انعقاد جلسه اضطراری در مورد بستن مکاتب دختران توسط طالبان متبلور ساخت ولی در آن گوشه دنیا که هزاران طفل، مرد و زن بی گناه، به نام بشر، غیر مسلح به ناحق کشته می شود و هزاران آبادی ویران و شفاخانه ها بمبارد و میلیون ها تارک ماوا می شوند.

تدابیر سیاسی، اقتصادی و نظامی بین المللی چیست؟ هر مملکت عضو این فاجعه را نظر به علایق و وابستگی ها از زوایای متفاوت می نگرند که اصلاً حقوق بشر در آن مضمّن نیست.

قبول کن هم وطن که اگر بشر از غار کوه برآمده و در قصر ها با تمام وسایل و امکانات مجهز و عصری زیست داشته علم و تکنولوژی نعمات و تسهیلات رفاه و آسایش را در اختیارش قرار داده، پهناوری علم و دانش برای بشر درب معرفت عمیق با طبیعت و دارایی های آن را و مجادله با حوادث تباہ کن آن را بکشوده.

علاوتاً در حاکمیت صلح روابط جوامع بشری بر بنیاد توافق نامه های قانونی بر معیار های بین المللی بین مؤلّد و مستهلک و یا بین فروشنده و خریدار و مؤسسات انتقالات تجارّتی زمینی، هوایی و بحری صورت می گیرد.

متأسفانه حوادث جنّو پالتکس دو دهه اخیر با همه پیامد های خون ریزی، ویرانی، تباهی و فرار و مهاجرت ها نظر خوش بینانه جدا شدن بشر را از عریزه طبیعی وحشت، بربریت، خشونت و جنگ به یأس می کشاند.

در ظاهر بعد از متلاشی شدن اتحاد جماهیر شوروی و نظام دکتاتوری مطلقه کمونزم روسیه راه دموکراسی را در پیش گرفت و سازمان ها و شیوه هایی را ایجاد کرد که چنین انتباه را به جهان می داد که روسیه به سوی دموکراسی و مردم سالاری روان است، ولی واقعیت های عینی و تحولات و رویداد های سیاسی به وضاحت نشان می دهد که شوروی سابق کلاه بدل کرده در روسیه یک نظام دکتاتوری خود کامه مطلق العنان مستولی گردید، در زعامت بعد از سال ۱۹۹۶ مردی به نام ولادمیر پوتین به حیث یگانه بازی گر تک رو، خود کامه روی کار آمد که گهی صدراعظم بود و زمانی معاون رئیس جمهور و در ۱۹۲۱ قانون اساسی روسیه را تعدیل و خود را تا سال ۲۰۳۶ رئیس جمهور مقرر کرد که بر این فیصله مردم روس هیچ نقش نداشتند و او فعلاً حکمروای مطلق العنان روس است که با هم دستی گروه مفسدین بلیونر ها به نام Oligarchies عنان سیاسی و اقتصادی روسیه را به دست داشته تمام آزادی های فردی صلب، مطبوعات آزاد تحت مراقبت و سانسور، مخالفین سیاسی دحتی در خارج قتل، تخویف، تهدید، تحت ستم و بدون محاکمه عدلی محبوس با شکنجه روانی قرار داده و برای قتل شان توطئه می گردد.

با صعود چندین برابر قیمت گاز و پترول انکشاف اقتصادی روسیه تا ۷% بالا رفته اما به جز نفت، گاز و اسلحه تولیدات روسیه در مارکیت بین المللی سهم ندارد. حتی ویتنام در ساحه تکنولوجی اطلاعاتی از روسیه جلوتر است.

پوتین متن فیصله سال ۱۹۹۲ شورای ملی روسیه « دوگما » را مبنی بر تقبیح (جنایت و خطای بزرگ سیاسی) حمله نظامی شوروی بر افغانستان به توصیف و تمجید و جزء مسؤولیت های نظام دانستن تعویض کرد. پوتین در دل و دماغ آرزوی احیای امپراتوری متوفی اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی را می پزوراند. بسیاری از ممالک آزاد آسیای میانه با حضور نظامی و معاهدات امنیتی تحت تسلط سیاسی آورده.

حمله بر اوکراین برخاسته از احساس جنون برانگیز یک شخص است که خود پرورده دامن سیاست جنگ سرد به حیث جاسوس متخصص استخبارات خارجی بوده که قدرت طلبی و کشور کشایی از تأثیرات روانی آن زمان بر روحیات پوتین است.

این جنایت وحشتناک پونین نزد پروانه های چرخنده و جان سوخته دور شمع آزادی یک جنایت است، گناه نا بخشودنی و ظلم علنی بر بشریت است که قطعاً توجیه ندارد. و در این ماجرا جویی دیوانه صفتی یک شخص است.

هیچ مرجعی به شمول وزارت دفاع روسیه و استخبارات غربی منظور اخیر پونین را در این جنگ نمی داند که آیا هدف تصرف و الحاق کامل اوکراین است به فدراسیون روس است؟ یا انتصاب و بر اریکه قدرت نشانندن

دولت گماشته، و یا تحمیل شرایط تباه کننده بر ملت اکراین، و یا ویرانی سرتاسری اوکراین و متواری ساختن نفوس آن و به رسمیت شناختن مناطق تحت تصرف به نام اوکراین آزاد.

نه تنها که پوتین یک وطن آزاد و مردم بی گنااهش را قربانی زور نمایی خود به غرب نمود در عین زمان شرایط نهایت وخیم اقتصادی را برای ملت روسیه خلق کرد که تاوان آن را خواهند پرداخت.

پایان مقاله ولی دوام فاجعه



برای مطالب دیگر محمد عارف عباسی روی عکس کلیک کنید

